

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

در باره مناسبات اتحاد شوروی با مصر و دورنمای آن

خبرنگار روزنامه عراقی «الفکر الجدید» مصاحبه ای با محمد حسین هیکل، سر دبیر پیشین روزنامه مصری «الاهرام» و وزیر پیشین وزارت اطلاعات مصر، در باره روابط اتحاد شوروی با مصر و دورنمای آن بعمل آورده است که از لحاظ اهمیتی که دارد، خلاصه ای از آن را به اطلاع خوانندگان عزیز میرسانیم.

حسین هیکل در این مصاحبه به تباریچه برقراری روابط دوستانه و همکاری میان مصر و اتحاد

شوروی اشاره کرده، مراحل مختلف این روابط را مورد تحلیل قرار میدهد و با تشریح خصالت این روابط تنش مثبت و موثری را که پشتیبانی و کمکهای همه جانبه اتحاد شوروی در امر استحکام مبانی استقلال جمهوری نوپیدا مصر و بطور کلی تقویت جنبش استقلال طلبانه و ضد امپریالیستی خفّتهای عرب ایفاء کرده و میکند تأیید مینماید.

هیکل از جمله خاطرنشان میکند پس از تثبیت رژیم جدید در مصر (پس از انقلاب ۱۹۵۲) این واقیعت از جانب اتحاد شوروی با نظر مثبت تلقی شد و روابط اتحاد شوروی با مصر مورد ارزیابی نوینی قرار گرفت. این روابط متناسب با آنکه خصالت ملی و ضد امپریالیستی رژیم مصر، مشخص تر و آشکارتر گردید توسعه و استحکام بیشتری یافت.

در آن دوره مسئله ساختمان سد آسوان در برابر جمهوری مصر مطرح بود. ایالات متحده آمریکا در نظر داشت که با دادن اعتبار و شرکت در سرمایه گذاری برای ساختمان این سد از نوساطه خود را بویژه در زمینه صدور تسلیحات برای ارتش به مصر تحصیل کند. اما پس از اینکه فروش تسلیحات امریکائی برای ارتش مصر به نتیجه ای نرسید و پرزیدنت ناصر قرارداد خرید اسلحه از اتحاد شوروی را قیض نکرد،

پیام

بمناسبت اول ماه مه

و اعلام یابرداری در برابر تجاوزات روزافزون انحصارهای سرمایه داری است.

و اما در مین رنجیده و رنج کش ما ایران و در کشور های فاشیستی و شبه فاشیستی نظیر آن مانند شیلی و اندونزی و برزیل و آفریقای جنوبی، در کشور هاییکه هنوز قلمرت دولتی در دست سیاهترین و خون آشامترین تشر طبقه حاکمه است، روز اول ماه یا اصلا با سکوت مرگبار برگزار میشود و یا مثل ایران که پس از مدتها مقاومت از طرف محافل حاکمه به پذیرش آن مجبور شدند، بصورت یک صحنه سازی در آمده است که در آن شما کارگران و زحمتکشان را بزور و میدارند برای رهبر غارتگران و آدمکشان یعنی شاه ناپایب کنید و در جلو پرده ای که در پس آن زندگی دشوار شما زحمتکشان و خانواده هایتان میگذرد و هزاران نفر از بهترین یاران شما از برادران کارگرتان، که تنها جرمشان دفاع از حقوق حقّه شماست، در زندانها و تبعید گاهها و زیر شکنجه های طاقت فرسا جان میکنند، پایکوبی نمائید.

این صحنه سازی درد آور در کشور است که بدون تردید امروز در شمار یکی از ثروتمند ترین کشورهای جهان جای گرفته است و میتواند تنها با درآمد سرشاری که از فروش نفت و گاز بدست می آورد، در صورتیکه این درآمد برای پیشرفت اجتماعی و بهبود زندگی مردم بکار برده شود، کام

های سریعی بپای بردارد. ولی شما بخوبی شاهد و گواه آن هستید که بخش عمده این درآمد سرشار، بجای آنکه برای بهتر کردن شرایط کار و زندگی زحمتکشان ایران مصرف شود، برای خرید جنگ افزارهای تهاجمی که بخش مهمی از آن از سلاحهای تازه و بی فایده امپریالیستی امریکائی و انگلیسی و آلمانی و فرانسوی است بکار میرود، بخشی از آن برای ساختن فرودگاهها و پایگاهها و جاده های نظامی بندر ریخته میشود و بخشی هم برای نگهداری ارتش و ژاندارمری و پلیس بکار برده میشود که هیچ وجه تنلسی یا بنیة و نیاز ایران ندارد و مأموریت عمده اش سرکوب هر گونه جنبش آزادیخواهانه و حق طلبانه مردم ایران و دفاع از منافع امپریالیستها در منطقه اطراف ایران است. کار غارت ثروت ملی ما اینجا تمام نمیشود. رژیم شاه برای تأمین منافع امپریالیستها، در حالی که اکثریت مردم ایران هنوز از ابتدائی ترین وسایل زندگی، از مسکن عادی، خوراک و پوشاک، بهداشت و آموزش محرومند، میلیاردها تومان از ثروت ملی ما را برای نجات شرکها و مؤسسات در حال ورشکستگی امپریالیستی مانند کروب و نظایر آن بدور میزرد و بسود انحصار های غارتگر جهان خورامیاند شرکت نفت انگلیس، که بزرگترین سهامدار کنسرسیوم غارتگر نفت ایران است، برای اکتشافات دریاهای دور دست که امید یافتن ذخایر نفت در آنها نا چیز است، حاتم بخشی میکند. با همین حاتم بخشی ها و غارتگریهاست که اقتصاد ما با وجود درآمد عظیم، نفت دچار بحران چلی شده و اکتون رژیم میکوشد تمام غوایب درونک این بحران را بپوش کارگران و زحمتکشان بیناندازد.

برای جلوگیری از هر گونه تظاهر ناخشنودی مردم، برای سرکوب وحشیانه هر گونه حرکت حق طلبانه دستگاہ عظیم ترور و وحشت ساواک بوجود آمده است، که با بودجه بی حد و حساب با اختیارات مطلق

و رقابتی کارگر، برادران زحمتکش

کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت روز مه - روز همبستگی رزمی همه کارگران و بان جهان بشما کارگران و زحمتکشان ایران گوید.

برادران عزیز! تنها و تنها با اتحاد، سازمان دهی و مبارزه برای منق و آزادیهای دموکراتیک میتوانید به خواستهای برسید!

امسال هم باز شما مجبور هستید روز اول ماه مه، جنگی کارگران و زحمتکشان جهان را در خنثاق سیاهی که رژیم غارتگر و ضد ملی شاه رما تحصیل کرده است، بگذرانید. در این خش عظیمی از جهان - در کشورهای سوسیالیست که طبقه کارگر با تکیه به همکاری سایر

انف قدرت دولتی را بدست گرفته است، و سرور راستین خلق برپاست. کارگران و ان، در پیشاپیش همه خلق، پیروزیهای بدست جشن میگیرند و خود را برای پیشرفت های شتر در راه بهتر کردن زندگی مادی و بالا بلج فرهنگ اجتماعی آماده میسازند و تهدات بیشتری را برای همدردی و کمک به برادران زحمتکش خود در سایر کشورها متقبل میشوند. در یک رشته از کشورهای آسیا و آفریقا و لاتین که رژیمهای خلقی باتکیه به جبهه متحد

و سایر زحمتکشان شهر و ده قلمرت دولتی را گرفته، زالوهای امپریالیستی را از پیکر خود بلورانداخته و در راه پیشرفت اجتماعی بااست

سوی سوسیالیسم کام بر میدارند، روز اول ماه ز جشن و سرور برای پیروزیهای بدست آمده، حکیم صفوف نبرد علیه امپریالیسم و دشمنان به روز همبستگی با سایر خلقهای که هنوز انی اسارت ارتجاع داخلی و امپریالیسم جهانی بر پایشان است مبدل شده است.

در برخی از این کشورها همانطور که میدانید، برای بار اول ویا بار دوم است که بطور بر گزار میشود. تلمه من یکی حوسال پیش بود کشورهایی مانند ویتنام جنوبی، لائوس و کامبوج، پروتال، یونان و اسپانیا در اروپا و حبشه، موزامبیک و گینه بیسائو در آفریقا هنوز فاشیستی نظیر رژیم ایران تسلط مطلق مبارزان تنها در زندانها ویا در مخفی گاهها، درهای بسته خانهها در گروههای کوچک ند روز اول ماه مه را یاد کنند، ولی تئیسروز شرتاب نیروها در صحنه جهانی به سود کشور سوسیالیستی و بزبان امپریالیسم موجب شده است ش های آزادیبخش ملی و جنبش کارگری جهانی فرسنگی به پیش روند و هر روز مواضع تازه ای کمال خونین امپریالیسم و ارتجاع خودی در

در کشورهای سرمایه داری که طبقه کارگرا متحد و مبارزه پیگیر خود توانسته است یک ادیهای دموکراتیک سیاسی را برای خود بگیرد ری کند، روز اول ماه مه، روز تظاهر نیرومند ضد کارگران و زحمتکشان، روز اعلام دستنه راستهای طبقه کارگر برای بهبود شرایط زندگی

بلافاصله ایالات متحده آمریکا پیشنهاد خود را در باره شرکت در سرمایه گذاری و دادن اعتبار برای ساختمان سد آسوان پس گرفت. پرزیدنت ناصر تصمیم گرفت شرکت کانال سوئز را ملی کند که پی آمد آن تخلو سه جانبه انگلستان، فرانسه و اسرائیل در سال ۱۹۵۶ بود. این عوامل خصالت ضد امپریالیستی رژیم مصر را تثبیت نمود. «جنگ سوئز» در عین حال محتوی اجتماعی واقیعت زندگی مصر در آن دوره را روشن تر نمود. پرزیدنت ناصر پیش از این حوادث هم در این باره میناویشد که مصر متعلق به کیست. پس از جنگ سال ۱۹۵۶ خطوط ضد امپریالیستی و مخالفت با بیمانهای نظامی امپریالیستی در سیاست مصر کاملاً مشخص و آشکار ترسیم شد و در عین حال حسن نیت و نظر مثبت نسبت به اتحاد شوروی بیشتر گردید. با اتحاد شوروی موافقت نامههایی در مورد تسلیحات و ساختمان سد آسوان امضاء شد.

حسین هیکل در پاسخ پرسش خبرنگار در مورد اینکه آیا از جانب رهبران شوروی کوششهایی برای بررسی و بحث پیرامون امور داخلی مصر و اعمال تأثیر بر رهبری سیاسی مصر مشاهده میشد، اظهار میدارد: من دنباله در صفحه ۲

پیام رفیق آوارو کونیال

دبیر کل حزب کمونیست پرتغال

به پیام حزب توده ایران

به دبیر اول حزب توده ایران - رفیق عزیز ایرج اسکندری!

پیمای را که بمناسبت تجدید انتخاب اینجانب دبیر کل حزب کمونیست پرتغال ارسال داشته بودید با تشکری بسیار صمیمانه دریافت داشتم. رفیق عزیز، از فرصت استفاده میکنم و برای حزب وشخصی شما موافقت بزرگ و سلامتی و سعادت شخصی را آرزو نمیم. با سلامهای برادرانه آوارو کونیال

اظهاریه مشترک

کمیته مرکزی حزب توده ایران و هیئت رئیسه حزب کمونیست آلمان

پیگرد همین پرستان ایرانی در جمهوری فدرال آلمان بوسیله پلیس معضی ایران ساواک و همکاران، این سازمان تروریستی با سازمان اطلاعاتی آلمان فدرال علیه دمکراتهای ایرانی، که بتازگی افشاء شده است، بار دیگر بر خطری که هر روزه دمکراتهای ایرانی را تهدید میکند، برخصالت ضد دمکراتیک رژیم شاه و بر فعالیت سوء سازمان اطلاعاتی آلمان فدرال گواهی میدهد.

چنانکه معلوم است، ۲۴ سال است یک رژیم دیکتاتوری در ایران حکومت میکند، که ابتدائی ترین حقوق بشر را از این برده است. ساواک دیگر اندیشنان را تعقیب میکند، شکنجه میدهد و میکشد، تعداد زندانیان سیاسی معلوم نیست، ولی این تعداد بین ۲۵ تا ۴۰ هزار تخمین زده میشود. در بین زندانیان سیاسی، کارگران، دهقانان، روشنفکران، روحانیون، سربازان، افسران، زنان، جوانان و دانشجویان با گرایشهای گوناگون سیاسی دیده میشوند.

بسیاری از زندانیان سیاسی سالهاست که در زندان بسر میبرند، از جمله: صفر قهرمانی، که به احتمال قدیمی ترین زندانی سیاسی جهان است، ۳۰ سال؛ محمد علی عسوفی، ابوتراب باقر زاده، عباس حجری، تقی کی منش و رضا شلتو کی (اعضای سازمان افسری حزب توده ایران) ۲۲ سال؛ علی خاوری، مبارز برجسته و عضو حزب توده ایران، غنی بلوریان، دکتر بنی طرّفه، بفرالدین مدنی، علی لاریزی، حمید قام نریمان، عزیز یوسنی بیش از ۱۰ سال.

بسیاری از زندانیان سیاسی که دوران «محکومیت» خود را بی پایان رسانده اند، همچنان در زندان بسر می برند، از جمله: صابر محمد زاده و آصف رزم دیده. در چهار سال اخیر بیش از ۶۰۰ نفر به اشکال مختلف توسط ساواک بقتل رسیده اند.

این وضع تحمل ناپذیر تقویت همبستگی افکار عمومی دمکراتیک را با مبارزه مردم ایران علیه دیکتاتور و ترور سیاسی، برای دمکراسی، آزادی و حقوق بشر ضرور میسازد.

حزب توده ایران و حزب کمونیست آلمان علیه ترور ساواک در ایران و فعالیت مغرب آن در جمهوری فدرال آلمان بشدت اعتراض میکنند و از حکومت فدرال آلمان مطالبه میکنند که فعالیت این سازمان تروریستی را علیه دمکراتهای ایرانی در جمهوری فدرال آلمان ممنوع سازد.

حزب توده ایران و حزب کمونیست آلمان دنباله در صفحه ۲

برای تجاوز به زندگی و ناموس مردم ما به یکی از سیاهترین و بد نام ترین دستگاههای جنایت و آدمکشی در سراسر جهان معروف شده است. در سایه حمایت این دستگاه جهانی است که همه گونه حقوق صنفی و سیاسی از شما کارگران و زحمتکشان ایران، که صاحبان اصلی تمام ثروت های کشور هستید، گرفته شده و دست سرمایه داران وابسته به انحصار های امپریالیستی و سایر غارتگران داخلی و خارجی برای چپاول حاصل دسترنج شما باز گذاشته شده است.

استبداد شاه سندیگاهی کارگری را به دستگاہ های پوچ و تو خالی مبدل ساخته است. ساواک مأموران خود را بنام نمایندگان کارگران به شما تحصیل میکند و اگر شما در اینجا و آنجا بخواهید نماینده واقعی خود را برگزینید، او را بنام اخلاک و آشوبگر از کار برکنار میکند، بزندان میافکند تبعید و حتی سر به نیست میکند. در سایه همین دستگاہ است که رژیم مبارزات حق طلبانه شما را، تا هنگامیکه جنا جفا و بدون همبستگی پهنورعلی می شوند، با دمنشی بی نظیری سرکوب میکند، بخون میکشد و بهترین یاران شما را بزندان و تبعید گاه میفرستد. نمونه های کرج، نساجی شاهی، چیت سازی تهران، معادن سمنان و دهها نمونه دیگر برای این واقیعت اجتماعی کشور ما شاهد گوناگی هستند.

در سایه همین دستگاہ سپاه جهانی است که گروههای غارتگر داخلی، سرمایه داران بزرگ وابسته به انحصار های امپریالیستی، بانکداران، سفته یازان زمین، مالکان زمینهای بزرگ کشاورزی، گردانندگان مزد و غارتگر دستگاہ دولتی و ارتش، میلیاردها ثروت ملی را از راههای گوناگون بجیب خود میبرند و اگر مجبور شوند در مقابل بالا رفتن سرسام آور هزینه زندگی چند تومانی به مزد کارگران و زحمتکشان بیفزایند،

دنباله در صفحه ۲

پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران

با بالا بردن چند برابر بهای لوازم مصرفی، کرایه مسکن و خدمات درمانی و بهداشتی، آثرا دو باره باز میمانند.

شاه و نوکران چاباوش هر روز اعلام میکنند که درآمد ملی سرانه مین ما بیستون زینای بالا رفته و به سرعت رشد میکند. این درست است. با بالا رفتن بهای نفت و گاز صنایع و با کار طاقت فرسانی شما زحمتکشان، هر سال ثروت بیشتری در کشور ما تولید میشود. ولی این ثروت عظیم تولید شده چگونه بین غارتگران و غارت شدگان یعنی بین تاراجگران امپریالیستی و گردانندگان رژیم از یکسو و شما زحمتکشان از سوی دیگر تقسیم میشود؟ و از درآمد ملی به شما چه سهمی میرسد و به غارتگران و نوکران شاه چه سهمی؟

در حالی که کرایه یک اطاق بدون برق و آب در تهران از چند صد تومان تجاوز کرده است، مزد یک کارگر عادی در کارخانه و یا یک آموزگار وحی یک پاسبان از هزار تومان کمتر است. شما امروز مجبورید به مراتب سهم بیشتری از درآمد خود را برای کرایه خانه بپردازید. شما و فرزندان شما امروز به مراتب کمتر از ده سال پیش که درآمد کمتری داشتید، و در آمد ملی ایران یک دهم درآمد کنونی بود، به گوشت دسترسى دارید. زندگی اکثریت کارگران و زحمتکشان شهر و روستای ایران، با وجودیکه مزد و درآمدشان باصطلاح از جهت اسمی بالا رفته است، در واقع دشوار تر از گذشته است و گسالی که در وضع مایشان بهبودی پیدا شده، این بهبود بیوجه مناسب با رشد عظیم ثروت و درآمد ملی ایران نیست. همه شاهد آن هستید که ثروتمندان با سرخی خیره کننده بر ثروتشان میافزایند و این ثروت را بجای آنکه بکارهای تولیدی در ایران صرف نمایند به کشورهای امپریالیستی منتقل میکنند و یا در لندن و پاریس و آسیایا و آمریکا خانه وسام میخرند. طبق آمار رسمی دولت، تنها در سال گذشته بیش از ۱۴ هزار میلیون تومان بصورت ارز از کشور خارج شده است و این غیر از دهها هزار میلیون تومان دیگری است که شاه و خانواده غارتگرش به همسستی سایر مزدوران و نوکرانشان از معاملات خرید اسلحه و خرید وسایل مصرفی و خریدهای دیگر بعنوان حق و حساب گرفته و در بانکهای خارجی انباشته اند.

در مقابل این ثروت روز افزون، عیدی اسمال غارتگران برای شما کارگران این بود که با هزار حقه بازی و با تصحیه به آدمکشان سواک، وزارت کار و سرمایه داران توطئه ای را که مدتها بود نقشه اش را میکشیدند، عملی کردند و سود ویژه را که در واقع خودبخشی از دستمزد شما بود که تحت این عنوان فریبنده میبرداختند، و این خود یکی از تیرنگی های رژیم بود ولی تا حد ناچیزی مرزهای کم شما را ترمیم میکرد بمقدار زیاد محدود کردند.

برگزاری سود ویژه و تمهیل اضافه کاری دو تیرنگ غارتگران است که بوسیله آنها استثمار کارگران را هرچه بیشتر شدت میدهد. بنام اضافه کاری کارگران را مجبور میکنند بجای هشت ساعت کار که در قانون ظاهراً برسمیت ششگانه شده، ۱۰ تا ۱۲ ساعت کار کنند و با کمک «سود ویژه» کارگران را مجبور میکنند تا بامید اینکه در آخر سال چیزی از سود ویژه بلست آنها برسد، از اعتصاب خودداری نمایند و با تحمل فشار هرچه بیشتر بگذری کار را بالا برند. ولی استثمارگران حالا حتی به این تیرنگ ها هم دیگر احتیاج ندارند. آنها سیاست غارتگرانه خود را در جهت تشدید هر چه بیشتر استثمار، یعنی بالا بردن بازدهی کار و پائین نگهداشتن و حتی کم کردن مزد کارگران باز هم شدید تر دنبال مینمایند.

عملی کردن این توطئه یکبار دیگر بروشی نشان میدهد که رژیم ضد کارگری و ضد دمکراتیک کنونی تا آنجا که سشش برسد شیره کارگران و زحمتکشان را خواهد کشید. برای خامه دادن باین افسار گسیختگی راه دیگری جز اتحاد و مبارزه پیگیر کارگران و زحمتکشان وجود ندارد.

رقابلی کارگر، زحمتکشان شهر و روستا!

تنها و تنها نیروی متحد و مبارزه پیگیر شما است که میتواند به این افسار گسیختگی رژیم غارتگر انجام زند و خواستههای حق شما را که صاحبان واقعی و تولید کنندگان اصلی همه ثروتهای کشور ما هستند تأمین کند. هیچ نیروی دیگری در کشور ما نیست که بتواند شما را از این درد و رنج رهائی بخشد!

پرای شما و خانواده هایتان زندگی قابل تحمیلی بوجود آورد. به درین صد ها هزار دهقان بی زمین و کم زمین که بعنوان کارگر موسمی دور از خانواده خود در شهر ها و راهها جان میکنند، و در کوچی ها و شیباها و بیغوله ها روی زمین میخوابند، پایان دهد و خدمات پزشکی لازم را فراهم کند و آموزش فرزندان را برای کار و زندگی فردا تأمین نماید.

زحمتکشان زن!

شما که در شرایطی بسی دشوارتر از زحمتکشان مرد رنج میبرید و در مقابل کار طاقت فرسا مزد بسیار ناچیزی، که بمراتب از مزد نازلی مردان هم کمتر است، دریافت مینارید، تنها با مبارزه پیگیر و هنگام با نیروی متحد سایر زحمتکشان میتوانید به این وضع رنج آور پایان بخشید.

روشنگران زحمتکش، آموزگاران و کمک آموزگاران شهر و ده، کارمندان خرده پایی مؤسسات اقتصادی و دولتی، شما که بکار شرافتمندانه خود تکیه دارید و تمیخواهید خود را با فساد عمومی دستگاه های دولتی و اقتصادی آلوده سازید، شما که در همه جا با زندگی زحمتکشان در تماس هستید، شما که خود از محرومترین اقشار اجتماعی هستید، شما نیز تنها با اتحاد با کارگران و زحمتکشان و با مبارزه متحد و پیگیر میتوانید بطور مؤثری در این نبرد برای احقاق حقوق خود شرکت ورزید. از آنجا که اتحاد و تشکل شرط ثمربخشی در مبارزه است لذا شعار روز کارگران و سایر زحمتکشان شهر و روستا و همه روشنگران زحمتکش چنین است:

«متحد شویم! سازمان یابیم! مبارزه کنیم!»

تنها و تنها با عملی ساختن این شعار عمومی است که شما کارگران و زحمتکشان ایران میتوانید نیروی عظیم و شکست ناپذیری را که در اختیار دارید آماده نبر سازید. برادران کارگر و زحمتکش!

نیروی شما عظیم و شکست ناپذیر است. دشمنان شما، دشمنان خلق، دشمنان آزادی و استقلال ملی به این واقعیت واقفند و از نیروی متحد و سازمان یافته شما هراسناک اند و از همین رو میکوشند در شما احساس ناتوانی بوجود آورند تا شما را برابر آنان بزانو در آید و اراده پایداری و مبارزه را از دست بکشید. طبقه کارگر ایران اگر متحد و متشکل شود نیروی شگرفی است که هر روز، هم از لحاظ کمیت و هم از لحاظ آگاهی و مبارزه جوئی اش در حال رشد سریع است. سرمایه داری ایران برای بهره کشی بوجود و افزایش طبقه کارگر نیازمند است. سرمایه داری ایران در مرحله کنونی بدون افزایش تعداد کارگران نمیتواند رشد کند. رشد کمی و کیفی طبقه کارگر پایه و اساس هرگونه تحول بنیادی جامعه ایران است. هر اندازه شما زودتر و عمیقتر به نیروی شکست ناپذیر اتحاد پی ببرید و به سازماندهی آن بپردازید، هماتر زودتر خواهید توانست پندها و دشواریهای کنونی خود پایان بخشید.

نیروی شما کارگران به مرزهای ایران محدود نمیشود. همدردی بین المللی زحمتکشان، امروز به نیروی بسیار عظیم و مؤثری تبدیل شده است.

مبارزات طبقه کارگر در کشورهای مختلف که سرمایه بر آن تسلط دارد، مبارزه قاطعاً در کشور های «جهت سوم» از جمله در ونتم، لائوس، کامبوج، آنگولا، موزامبیک و گینه بیسائو نشان داد که در شرایط کنونی جهان، اگر نیروی عظیم زحمتکشان بانبروی عظیم خلق یک کشور متحد شود، سازمان یابد و در میدان نبرد گام گذارد، توانائی آنها دارد که با یاری زحمتکشان سایر کشورها، نه تنها سیاهترین ارتجاع داخلی، بلکه حتی ارتشهای عظیم مداخله جوی امپریالیستی مانند ارتش ششصد هزار نفری آمریکا و ارتشهای پرتغالی و مزدوران فاشیست را بزانو در آورد، از منهن خود نیروی برانده و پرچم حاکمیت خلق را بر فراز کاخ های غارتگران داخلی و خارجی به اهتزاز در آورد.

اینست قانون عمومی تحولات جهانی در دوران ما، قانونی که بدون تردید مین ما را هم در برمیگیرد. کارگران مبارز زحمتکشان پیشرو شهر و روستا، از اتحادهای موجود واز قوانین و آیین نامهها و تمهیدات موجود دولت و کارفرمایان و از همه امکانات علی برای پیشرفت متافع کارگران و زحمتکشان ماهرانه و بعد اکثر استفاده کنید. در کارخانه و کارگاهی که کار میکنید، بکوشید با مراعات اصل پنهانکاری، بطوریکه مأموران خون آشام سواک در نیابند، با همکاری بهترین کارگران آماده برای مبارزه، هسته های ششده برای فعالیت در میان کارگران بوجود آورید.

در باره مناسبات اتحاد شوروی با ...

بخوبی بیاد دارم که رهبران اتحاد شوروی در مذاکرات خود با رهبران مصر بیشتر به تشریح مسائل داخلی و تجارب کشور خود توجه داشتند و به مصاحبان خود امکان میدادند که خوششان از این تجارب نتیجه گیری نمایند. آنها اوضاع داخلی کشوری عربی را مورد بحث قرار نمیدادند، مگر در مواردیکه رویادهای جهان عرب بر روی این اوضاع را ایجاب میکرد. من بخاطر دارم که رهبران اتحاد شوروی با پرزیدنت سادات هم در باره اوضاع داخلی مصر صحبت بعین نمآوردند و حتی به اتهامات و حملاتی هم که هرچند گاه از جانب مطلقاً با مطبوعات مصری علیه اتحاد شوروی انجام میگرفت اشاراتی نمیکردند.

تجارب اتحاد شوروی برهبری مصر کمک میکرد که به پدیده های مهم توجه لازم را داشته باشد. من گفتگوی خود را با پرزیدنت ناصر هنگام یکی از مسافرتها به اتحاد شوروی در هواپیمایی جت مسافری اتحاد شوروی خوب بخاطر دارم. گفتگو در این باره بود که تجارب اتحاد شوروی بسیار آموزنده و شایان توجه عمیق است، اتحاد شوروی در زمینه های گوناگون زندگی کامیابهای شگرفی بلست آورد، ویژه در چنین مناطقی مانند سیریر، کازاخستان، آسیای میانه و بطور کلی در سراسر کشور اتحاد شوروی که در گذشته کشوری عقب مانده بوده از ابالات متحده پیشی گرفته ویژه در پژوهشها و پرواز های کیهانی و تر بسیزی دیگر از زمینه ها.

پرزیدنت ناصر بر این عقیده بود که در تحلیل آخر مصر مسلماً فقط با پشتیبانی و کمکهای اتحاد شوروی میتواند به اهداف خود نایل آید. این مطلب برای پرزیدنت ناصر یک حقیقت مسلم بود. او اطمینان داشت که اتحاد شوروی تسلیحات لازم را برای مبارزه در اختیار مصر خواهد گذاشت. ضمناً پرزیدنت ناصر واقف بود که عوامل و اوضاعی وجود دارد که نباید آنها را از خاطر دور داشت. از جمله اینکه میدانست که اتحاد شوروی به افکار عمومی محافل اجتماعی توجه

که کارگران را در مبارزات صنفی سندیکاتی راهنمایی نمایند. خامه اتحاد را گام بگام، و باز هم با رعایت همه اصول پنهانکاری، از مرزهای کارخانه هاو کارگاهها به هزاران واحد تولیدی دیگر در شهر و روستا گسترش دهید.

در جریان کوشش برای اتحاد بکوشید: این اتحاد را بین همه نیروهای زحمتکشان بوجود آورید، صرف نظر از اعتقادات سیاسی و مذهبی شان، صرف نظر از وابستگی یا هواداری شان از این یا آن گروه، این بیان روش سیاسی، اتحاد همه زحمتکشان پایه اتحاد همه خلق است.

هر گاه که شدت ناخشنودی کارگران و زحمتکشان در اینجا و آنجا آنانرا برای مبارزه آماده میکند، با در نظر گرفتن همه عوامل و شرایط مساعد و نا مساعد با یافتن تمر بخش ترین شکل مبارزه، با تمام قوا آنها را بسوی چنین مبارزه ای سوق دهید. بکوشید این مبارزه مورد همبستگی و همدردی و پشتیبانی دیگر واحد های کارگری و مردم قرار گیرد. در جریان تدارک و انجام یک نبرد صنفی، کارگران را با واقعیت اجتماعی کشور، یعنی به همبستگی و همکاری سرمایه داران غارتگر با رژیم استبدادی و ابزار های آن، سواک و وزارت کار، آگاه سازید و بکوشید آنانرا برای شرکت در مبارزه برای آزادهای دمکراتیک آماده کنید. مبارزه برای آزادی های دمکراتیک در چهار چوب جبهه ضد دیکتاتوری، بدون شرکت فعال کارگران و زحمتکشان، قابل تصور نیست.

روشنگران زحمتکش!

بکار بستن رهنمودهای مندرجه در این پیام که در ستیش، در تمام مبارزات دیگر خلقها و همچنین خلقهای مین خودمان بارها تأیید شده است، کار آسانی نیست. بویژه در شرایط کنونی حاکمیت استبداد سرمایه سیاسی، این راهی است پس دشوار و ولی این راه هم باید دانست که این راه با همه دشواریش یگانه راهست و وظیفه تاریخی مبارزان است که با از خود گذشتی و فداکاری با بمیدان گذارند و به زحمتکشان کمک کنند تا این یگانه راه را به بینند و بفرستی آن محقق شوند و مبارزه را آغاز کنند.

متحد شویم، سازمان یابیم و مبارزه کنیم! اینست شعار همه زحمتکشان و آزادیخواهان و مین پرستان!

بکوشیم تا این یگانه شعار راستین را هر چه زود تر و هر چه دامنه دارتر تحقق بخشیم.

دارد. اتحاد شوروی وظیفه خود را تنها در این که به خلقها کمک کند، بلکه میکوشد با پشتیبانی خود را تشریح کند و نشان ی کمک و پشتیبانی از جانب آن بحکم شرایط لازم و ضروری است.

حسین هیگل دریاسخ به این پرسش که بنظر شما روابط مصر و اتحاد شوروی بر چه باید برقرار شود، اظهار داشت: یکی از مشکله مصر در اتحاد شوروی آنستکه این روابط بطور تمسالی در سطح بالا محدود بوده اکثریت های نمایندگان مصر که از اتحاد شوروی دیدن نتوانسته اند با نظر واقع بینانه به واقعیت بنگرند. اصلی این هیئت های نمایندگی که برای خود روشن سازند که چه چیزی در واقعیت شوروی، که اختلاف طبقاتی در آن از میاز نهفته است.

حسین هیگل اظهار داشت «منطق» کارزار که پس از جنگ اکثیر در مصر علیه اتحاد بره انداخته شده برای من کاملاً نا مفهوم است. من در جنگ اکثیر ما توانستیم کامیابهای چشم بدست آوریم بویژه از نقطه نظر نظامی. این در پرتو دو عامل بلست آمدند، ارتش و تسلیحات تسلیحاتی که در عملیات جنگی دور از کانال عملیات یعنی موفقیت آمیز آن بکار برده شد، و بود که اتحاد شوروی در اختیار مصر گذارد بدینجهت دور از انصاف و خلاف هر گونه منته که جنگا کثیر مورد ستایش قرار گیرد و در نقش و اهمیت کمکهای اتحاد شوروی در س داده شود.

یکی از برجسته ترین نمونه های پستی در ضد اتحاد شوروی تلاش برای کم اهمیت جلوه دادن سد آسوان است و این در صورتی است که سد یگانه واحد بزرگ اقتصادی در مصر است که غرب و هم در شرق از جانب کارشناسان از نظر ساختمانی و اقتصادی مورد برسی دقیق قرار و مثبت ارزیابی شده است.

هدف این کارزار تبلیغاتی در مورد آسو، خرابکاری و اخلاص در روابط دوستانه مصر و شرق بی اهمیت جلوه دادن کمکهای شوروی بمصر، بلکه تلاشی است برای بی ارزش کردن نقش خود که از ساختمانهای افتخار آفرین برای همه خانو است. در اقتصاد کشور کوشش میشود با یا ساختمان این سد در اعتماد و ایمان خلق مصر، وامکانات خود برای انجام کارهای بزرگ خلل وارد حسین هیگل در پاسخ به این پرسش خبر کثیر آیا شما نیست به چشم انداز بهبود و توسعه روابط اتحاد شوروی خوش بین هستید؟ اظهار داشت: «میکنم که نیروی ترقیخواه را در مصر نمیتوان برد و با آنها را بزانو در آورد. البته امکان آن دارد که در راه پیشرفت این نیرو ها موای ایی ولی دیگر بمصر را نمیتوان به دوران گذشته باز بدینجهت من در مورد بهبود روابط مصر و اتحاد خوش بین هستم. من نیروی دیگری را در صحنه نمی بینم که بتواند در امر پشتیبانی از جنبه خلقهای عرب با توجه به محتوی اجتماعی و سیاسی جنبش جایگزین اتحاد شوروی شود.

اتحاد شوروی بدون تردید بهترین دوست حتی اگر مسئله را تنها از نقطه نظر انتخاب مت زمینه تأمین امنیت خود در نظر بگیریم مورد رشد و تکامل اقتصادی ما نیز این مطلب صادق است و هیچ کشور دیگری نمیتواند برای ما این اتحاد شوروی بشود. این واقعیت روشنی است و صلح بشود. اسرائیل و با تصوری که ما از واقعی دارم کاملاً متناقض است. بهمین علت اتحاد شوروی نیاز داریم.

اظهاریه مشترک

قطع شکنجه، آزادی زندانیان سیاسی، انطلال و تأمین آزادهای دمکراتیک و حقوق بشر را مردم ایران مطالبند.

حزب توده ایران و حزب کمونیست آلد افکار عمومی دمکراتیک در جمهوری فدرال آلم فرامیخوانند که به این اعتراض و به این خواست بیبندند و همبستگی خود را با مردم ایران که راه آزادی خود مبارزه میکنند، گسترش دهند